

مقدمه ناشر

دو دو چی چی | دو دو چی چی | دو دو چی چی ...

یادتون میاد؟! فکر می‌کنین چی باعث می‌شد که توی سه چهار سالگی، همه‌مون این ریتم رو درست و یک‌صدا تکرار بکنیم؟

آفرین! تکرار منظمشون موجب شده بود که به راحتی حفظشون کنیم.

تیک تاک | تیک تاک | تیک تاک | تیک تاک ... (گذر منظم ناینه‌ها)

قطعه موسیقی پایینو ببینین:



فا لا دو | فا لا دو | فا لا دو

شعر هم مثل بقیه پدیده‌های هستی نظم داره:

ای	سا	ر	بان	آ	هس	ت	ران	کا	را	م	جا	نم	می	ر	وَد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
مُسْتَفْعِلُنْ				مُسْتَفْعِلُنْ				مُسْتَفْعِلُنْ				مُسْتَفْعِلُنْ			

وان	دل	ک	با	خود	داش	تم	با	دل	س	تا	نم	می	ر	وَد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-
مُسْتَفْعِلُنْ				مُسْتَفْعِلُنْ				مُسْتَفْعِلُنْ				مُسْتَفْعِلُنْ		

همین نظم سبب می‌شه که حفظ کردن شعر، خیلی راحت‌تر از نثر باشه.

مؤلفای خوب ما آقای سعید احمدپور و محمدرضا لمسه‌چی تمام توانشون رو گذاشتن تا این نظم رو هر چه بهتر به شما یاد بدن. من معتقدم خوب از عهده بر اومدن تا شما نظرتون چی باشه! جا داره از آقای ابوالفضل قاضی که نظارت محتوایی این کتاب رو به عهده داشت و تمام همکاری خوبمون

توی واحدهای مختلف سازمان و خانم مریم طاهری عزیز که برای این کتاب هم مثل همیشه با جون و دل وقت گذاشتن تشکر ویژه‌ای بکنیم.

حالتون خوب باشه

ما رو هم یاد کنید.

مقدمه مؤلفان

وقتی با درخت بودم
پرنده می گفت: «درخت را باید با رنگ سبز نوشت
تا من آرزوی پرواز کنم» ...
من درخت را فقط با مداد زرد می توانستم بنویسم
تنها مدادی که داشتم
و پرنده در زردی
واژه درخت را پاییزی می دید و قهر می کرد ...
صبح امروز به مادرم گفتم:
«برای احمد رضا مداد رنگی بخرید»
مادرم خندید:
«درد شما را واژه دوا می کند»

(احمد رضا احمدی)

سلام؛

با خودم گفتم قبل این که بخوام از کنکور و امتحان و کتاب تست و ... بگم، از خود شعر شروع کنم، از خود واژه. نکته یادمون بره اصل ماجرا همینه که از ادبیات، از شعر، از واژه ها لذت ببریم، دردها و نآرومی های دلمونو با واژه دوا کنیم. نکته حواسمون پرت شه از لذت عمیقی که تو دنیای بزرگ ادبیات منتظر مونه. کنکور خیلی مهمه، امتحان خیلی مهمه، اما مهم تر از همه اونا، اینه که تمرین کنی مراقب زیبایی های دنیات باشی، مراقب زیبایی های کلمات، منظره ها و آدمای اطرافت. مهم تر از امتحان و کنکور - که خیلی مهمه! - اینه که وقتی سال ها از عمرت گذشت و برگشتی و پشت سرت رو نگاه کردی، خوشحال باشی از این که جاده دنیا، با عبور تو، با وجود رد پای تو زیباتر شده ...
و حالا چندتا توضیح راجع به این کتاب:

تلاش کردیم تو درس نامه ها، هم متن کتاب درسی رو کامل پوشش بدیم و هم کلی نکته به درد بخور برای پاسخ دادن به سوالات امتحانی و تست ها بهت بگیم. تو تست ها هم سعی مون این بوده که تا حد امکان، متنوع و مبتکرانه باشن و سطح بندی از ساده به سخت رو رعایت کنیم. پاسخ ها جامع و کاملن تا مطالب درس، خوب برات جا بیفته. گاهی تو پاسخ ها بعضی نکته های جدید و قلق های تست زنی رو هم برات شرح دادیم. اگه درس نامه، تست و پاسخ هر بخش رو خوب و دقیق بخونی، می تونی مطمئن باشی که به موضوع اون درس کاملاً مسلط شدی. تو درسای تاریخ ادبیات و سبک شناسی، که به شدت حفظی هستن، مواجه شدن با پاراگراف های طولانی باعث می شه ناخود آگاه بعضی از کلمات و جملات مهم از چشمت دور بمونن. تو درس نامه نکات مهم پاراگراف ها رو تا حد امکان تفکیک کردیم، زمینه ها و دلایل مربوط به هر اتفاقی رو تو کادرای مجزا آوردیم. اگه سطر یا نکته ای تو یه پاراگراف در قالب «زمینه ها و رویدادها» نمی گنجیده، بلافاصله بعد از کادر با هشتک «#دیگه چه خبر؟» برات شرح دادیم. خلاصه تلاش کردیم با استفاده از شکل ها، نمودارها و دسته بندی های مختلف، کاری کنیم تا با متنای طولانی خسته کننده مواجه نشی. تو بخش عروض گاهی وقتا تفاوتای کوچیکی تو تقطیع ابیات، بین درس نامه و پاسخ نامه وجود داره. این تفاوت ها رو عمداً به وجود آوردیم تا با شکل های مختلف تقطیع مواجه شی و برات عجیب و غریب نباشن. تشکر می کنم از همه کسانی که برای چاپ شدن این کتاب زحمت کشیدن:

- آقای مهندس سبزمیدانی که با مهربونی، صبوری و درایت یه پشتوانه مطمئن بود برامون؛
- دوستان یرتلاش و زحمت کشمون تو واحد تولید، خصوصاً برویچه های کاردرست واحد گرافیک که موهاشون سفید شد به خاطر اجرای ایده های گرافیکی ما!
- جناب آقای قاضی که تجربه، تسلط و دقتشون یه تکیه گاه امن بود که خیالمونو راحت می کرد.

کلام آخر، امیدوارم خوندن این کتاب بتونه حسابی کمکت کنه برای تسلط کامل به مباحث درسی کتاب علوم و فنون ادبی یازدهم، و مهم تر از اون کمکت کنه برای بیشتر علاقه مند شدن به دنیای پر از قشنگی ادبیات (به اولی مطمئنیم و به دومی امیدوار 😊).

سربلند و پیروز باشید

فهرست

فصل سوم

- درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم ۶۵
درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲) ۷۲
درس نهم: استعاره ۸۴
آزمون فصل ۳ ۹۴

فصل یکم

- درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم ۷
درس دوم: پایه‌های آوایی ۱۸
درس سوم: تشبیه ۲۵
آزمون فصل ۱ ۳۶

فصل چهارم

- درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی) ۹۶
درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی ۱۰۵
درس دوازدهم: کنایه ۱۱۷
آزمون فصل ۴ ۱۲۵

فصل دوم

- درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی) ۳۸
درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱) ۴۵
درس ششم: مجاز ۵۵
آزمون فصل ۲ ۶۳

پاسخ‌نامه تشریحی ۱۲۷

پاسخ‌نامه کلیدی ۱۵۴

درس نهم

استعاره

مقدمه

جریان چیه؟! تا الان با تشبیه و میاز آشنا شدی. آریه ای که تو این درس قراره بونی هم به ارتباطهایی به تشبیه و میاز داره. مقدمه رو کوتاه می‌کنم، چون خود این آریه کارش ایضاً زیبایی در کوتاه‌ترین شکل ممکنه. 😊

زاویه دید

این درس، از مهم‌ترین دروس پایه یازدهم، هتماسی کن مفهوم استعاره، روشناسی و دو نوع مفتلف استعاره (یعنی مصرّبه و مکنّیه) رو دقیق و درست از هم تشفیص بدی.

استعاره چیست؟

در لغت به معنی عاریت و وام‌گرفتن

استعاره

در اصطلاح جدید به کار بردن لغتی به جای لغتی دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک (این «به جای» رو نگه دارید، کار داریم باهاش). در ارتباط با مجاز استعاره در واقع نوعی مجاز است، اما چه‌طور مجازی؟! به یاد دارید که در درس ششم، گفتیم در مجاز، بین معنای حقیقی و غیرحقیقی لفظی که به کار می‌بریم رابطه و پیوندی وجود دارد. (اسم این رابطه رو هم گذاشتیم علاقه). حال اگر این رابطه و پیوند و علاقه از جنس مشابهت بود، یعنی میان معنای حقیقی و غیرحقیقی مشابهت وجود داشت، این نوع مجاز را استعاره می‌گوییم.

رابطه استعاره و تشبیه

در یک ویژگی مشترک‌اند ← شباهت. هم در استعاره و هم در تشبیه، بین دو چیز (مشبّه و مشبّه‌به) مشابهتی یا صفت مشترکی پیدا می‌کنیم و از آن بهره می‌بریم تا سخن خود را زیباتر و اثرگذارتر کنیم. در تشبیه (از هر نوعش که باشد) حتماً هم کلمه مشبّه و هم کلمه مشبّه‌به آورده می‌شود، اما در تعریف استعاره گفتیم کلمه‌ای (به جای) کلمه دیگر استفاده می‌شود.^۱

مثلاً فرض کنید یک مربی در تعریف از بازیکنان تیمش بگوید: «بازیکنای تیم من مثل بازیکنای بارسلونا خوب پاسکاری می‌کنن.»^۲ در این تشبیه، هم مشبّه و هم مشبّه‌به ذکر شده است.

حال فرض کنید همین مربی هنگام ورود تیمش به زمین بگوید: «بازیکنای بارسلونا وارد زمین شدن» این جا «بازیکنای بارسلونا» به جای «بازیکنای تیم من» استفاده شده و فقط یکی از طرفین تشبیه (یعنی مشبّه‌به) ذکر شده؛ پس استعاره داریم. یک مثال ادبی‌تر! فرض کنید در وصف کسی که گریه می‌کند، بگوییم «اشک‌هایش مثل مروارید بود». اشک به مروارید تشبیه شده، هم اشک در جمله آمده و هم مروارید (این جا وجه‌شبهه که می‌تواند زلالی و درخشندگی یا ارزشمندی باشد ذکر نشده، اما ذکر نشدن وجه‌شبهه در این که این جمله تشبیه داشته باشد یا نه، نقشی ندارد). حالا فرض کنید در وصف همان فرد بگوییم «از چشمانش مروارید می‌ریزد»؛ فقط یکی از طرفین، یعنی مروارید ذکر شده است، پس استعاره داریم.

انواع استعاره

مصرّحه
مکنّیه

تا این جا تفاوت تشبیه و استعاره را متوجه شدید. برویم سراغ آشنا شدن با دو نوع استعاره
گفتیم در استعاره، فقط یکی از دو طرف (مشبّه یا مشبّه‌به) ذکر می‌شود. همین مسئله که مشبّه در جمله ذکر شود یا مشبّه‌به، نوع استعاره را مشخص خواهد کرد:

اگر فقط مشبّه‌به ذکر شود ← استعاره مصرّحه یا آشکار داریم. (لغت مصرّبه با صریح هم‌خانواده‌س!)

اگر مشبّه + یکی از ویژگی‌های مشبّه‌به ذکر شود ← استعاره پنهان یا مکنّیه داریم.

۱- البته این توضیح مربوط به یکی از انواع استعاره یعنی استعاره مصرّحه‌س. به کم بریم جلو تر با نوع دوم استعاره هم آشنا می‌شی. فعلاً غرض اینه که مقدمات و اصل مطلبو بگیری.

۲- تاکید می‌کنم ما مقلص طرفدارای همه تیما هستیم، رئال، بارسا، یوونتوس، میلان، زارگوزا، بیلباو، آژاکس، داماش و ...



الف) استعاره مصرّحه (آشکار) (مجاز به علاقه شباهت)

اگر جایی فقط مشبّه به ذکر شود، با این نوع استعاره سروکار داریم. دلیل این که به آن مصرّحه یا آشکار می‌گوییم این است که تشخیص دادن این نوع استعاره از نوع دیگر، یعنی استعاره مکنّیه نسبتاً راحت تر است؛

مثلاً در برخورد با مصراع: «غلامِ نرگسِ مست تو تاجدارانند»، به راحتی می‌فهمیم که گل نرگس نمی‌تواند مست باشد، پس حتماً در معنایی غیر از معنای اصلی به کار رفته است ← حال این معنای غیراصلی را از کجا بفهمیم؟ گل نرگس گلبرگ‌هایی سفید دارد و وسط آن گلبرگ‌هایی به رنگ زرد یا سیاه.

این ترکیب رنگ سیاه در مرکز و سفید در اطراف، در نظر شاعران به چشم معشوق شباهت پیدا کرده (شاید هم معشوقای مفرم لئز زرد می‌داشتند! و ترکیب گل زرد و سفید شبیه پشمشون بوره!)، بنابراین شاعر به جای چشم مست، از نرگس مست استفاده کرده است. بنابراین در استعاره‌های مصرّحه، با توجه به قرینه‌ها، این که لغت در معنی اصل خود به کار نرفته تقریباً آشکار است. این مثال کتاب درسی را ببینید: «موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفتی که خردۀ مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش درآویخته» واضح است که روی خاک این باغ خرده‌شیشه نریخته و از درختان انگورش، ستاره‌های خوشۀ پروین آویخته نشده! همین مسئله، قرینه‌ای است که به ما می‌گوید این الفاظ در معنی خودشان به کار نرفته‌اند (اگه از شنیدن لفظ قرینه یاد ماباز افتادید، دمتون گرم! گفتیم که استعاره نوعی مجازه ریگه)، اولی استعاره از گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبّه) است و دومی استعاره از خوشۀ انگور (مشبّه).

چند مثال دیگر:

مثال ۱ چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود ندانستم که این دریا چه موج خون فشان دارد *حافظ*
دریا در این بیت، استعاره از عالم عشق است. (حافظ می‌گوید «این دریا»، قاعدتاً لب دریا نایستاده که رابع به این دریای قاص صمبت کند).

مثال ۲ چو تنها ماند ماه سروبالا فشاند از نرگسان لؤلوی لالا *نظامی*
ماه، استعاره از معشوق زیباروست (که تنها مانده و قدش مانند سرو است).
نرگس استعاره از چشم است و لؤلؤ لالا استعاره از قطرات اشک (در غیر این صورت، افشاندن مروراید از نرگس بی‌معنی است).

مثال ۳ ز لعلش بوسه‌ای می‌خواستم، گفتم نباید داد شیرینی به رنجور
از آن خواجو به باقوتش کند میل که دایم آب خواهد طبع محرور (= گرم‌زده) *فواپوی کرمانی*
لعل و باقوت هر دو استعاره از لب معشوق است. (پرا فواپوی کرمانی باید بفواهد به یک لعل یا باقوت بوسه بزند؟ و برایش شعر هم بگوید؟)

مثال ۴ جایی که سرو بوستان با پای چوبین می‌جمد ما نیز در رقص آوریم آن سرو سیم‌اندام را *سعدی*
سرو در مصراع اول استعاره مصرّحه نیست، همان سرو بوستان است که پای چوبین دارد. (جمیدن سرو و پاداشتن آن را در بخش استعاره مکنّیه و به عنوان مثال تشخیص خواهیم خواند).
اما سرو دوم استعاره از معشوق است. (سیم‌اندام بودن و به رقص درآمدن قرینه‌های راهنما هستند).

مثال ۵ سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت *حافظ*
خانه استعاره از دل و کاشانه استعاره از سینه (علی‌رغم ذکر شدن دل و سینه در مصراع اول) - آتش هم در هر دو مصراع استعاره از سوز و گداز و غم است.

آقا اجازه!!

گفته بودیم تو استعاره فقط مشبّه یا فقط مشبّه به ذکر می‌شه. تو این بیت هم فانه ذکر شده هم دل، هم کاشانه هم سینه، با وجود ذکر شدن هر دوی این‌ها باز هم با استعاره طرفیم؟

بله دلبندهم! تو کتاب درسی این بیت به عنوان مثال استعاره اومده:

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد
بانگ نای در مصراع اول به آتش تشبیه شده، اما در مصراع دوم استعاره به شمار می‌رود، به رغم این که بانگ نای در مصراع اول ذکر شده.

پس به یاد داشته باشید:

نکته

اگر مشبّه به به تنهایی در جمله‌ای جدا و مستقل از مشبّه بیاید، استعاره است و دیگر تشبیه نمی‌گیریم.



ب) استعاره مکنیه (بالکنایه، پنهان)

در این نوع استعاره، مشبه ذکر می‌شود به همراه ویژگی‌ها یا لوازم مشبه‌به. (فرض کنید همون مرپی‌ای که اول درس داشت از بازیکنانش تعریف می‌کرد بگه: «بازیکنای تیم من تیکلی تاکا می‌کنن!» تیکلی تاکا اسمی بود که به سبک بازی بازیکنای بارسلونا با اون پاسکاری‌های تند و عجیب غریبشون داده بودن (البته آله تا وقتی این کتاب چاپ می‌شه و به شما می‌رسه هنوز ۳ سبک بازی بارسا همین‌په‌ری بمونه!). مرپی تو جمله فودش مشبه (بازیکنای تیم من) رو آورده، اها به جای ذکر کردن مشبه‌به (بازیکنای بارسلونا)، یکی از ویژگی‌های مشبه‌به (تیکلی تاکا) رو آورده. به این می‌گن استعاره مکنیه!

تذکر اگر دقت کنید استعاره مکنیه، دیگر مثل مجاز نیست؛ فقط استعاره مصرحه است که نوعی مجاز به حساب می‌آید. به این بیت توجه کنید:

مثال ۶ با قوت بازان عشقت سرینجه صبر ناتوان است *سعی*

عشق، بازو دارد؟ صبر، سرینجه دارد؟ اصلاً این دو دست دارند که بازو و سرینجه داشته باشند؟ نه!

در واقع: \odot عشق به انسانی تشبیه شده که بازو دارد.

\odot صبر به انسانی تشبیه شده که سرینجه دارد.

استعاره این بیت از نوع مکنیه است ← ذکر مشبه [عشق] به علاوه ویژگی‌های مشبه‌به (انسان) [بازو داشتن سرینجه داشتن]

نکته ۲

زمانی که با کمک قرینه‌ها متوجه حضور استعاره در بیت شدید، اگر مشبه + ویژگی‌های مشبه‌به ذکر شده بود، استعاره مکنیه داریم. اگر مشبه‌به ذکر شده بود، استعاره مصرحه داریم.

مثال ۷ گیسوی چنگ بربید به مرگ می ناب تا حریفان همه خون از مژه‌ها بگشایند *ماخذ*

گیسوی چنگ استعاره مکنیه است: چنگ (مشبه) مانند انسانی (مشبه‌به) است که گیسو دارد (از ویژگی‌های مشبه‌به).

مرگ می استعاره مکنیه است: می (مشبه) مانند انسان (مشبه‌به) است که می‌میرد (از ویژگی‌های مشبه‌به).

مثال ۸ به ایوان می‌روم / و انگستانم را بر پوست کشیده شب می کشم *فروع فرغزاد*

استعاره مکنیه: شب (مشبه) مانند انسان یا حیوان یا ... (مشبه‌به) است که پوست دارد (ویژگی مشبه‌به).

مثال ۹ به صحرا شدم، عشق باریده بود. *بایزید بسطامی*

استعاره مکنیه: عشق (مشبه) مانند باران (مشبه‌به) است که می‌بارد (ویژگی مشبه‌به).

انواع استعاره مکنیه

استعاره مکنیه به دو صورت به کار می‌رود: $\left. \begin{array}{l} ۱- \text{صورت اضافی (اضافه استعاری)} \\ ۲- \text{صورت غیراضافی} \end{array} \right\}$

نمونه‌هایی از شکل اول استعاره مکنیه (صورت اضافی - اضافه استعاری)

مثال ۱۰ به پای همت او نارسیده دست فلک به شاخ دولت او نادمیده باد فتن (= فتنه‌ها) *انوری*

استعاره‌های مکنیه (اضافه‌های استعاری) $\left. \begin{array}{l} \text{پای همت: همت (مشبه) مانند انسان (مشبه‌به) است که پا دارد (ویژگی مشبه‌به).} \\ \text{دست فلک: فلک (مشبه) مانند انسان (مشبه‌به) است که دست دارد (ویژگی مشبه‌به).} \\ \text{شاخ دولت: دولت (مشبه) مانند درخت (مشبه‌به) است که شاخه دارد (ویژگی مشبه‌به).} \end{array} \right\}$

نکته ۳

دقت کنید که «باد فتن»، اضافه تشبیهی است (فتنه‌ها مانند باد هستند). تفاوت اضافه تشبیهی با اضافه استعاری در واقع همان تفاوت تشبیه و استعاره است؛ یعنی در اضافه تشبیهی هم مشبه ذکر می‌شود و هم مشبه‌به (مثل همین ترکیب «باد فتن» که در آن فتن (فتنه‌ها) مشبه و باد مشبه‌به است)؛ اما در اضافه استعاری مشبه به علاوه یکی از ویژگی‌های مشبه‌به ذکر می‌شود.

مثال ۱۱ گریه ابر بهار از دل پردرد من است چهره زرد خزان از نفس سرد من است *صائب تبریزی*

استعاره‌های مکنیه (اضافه‌های استعاری) $\left. \begin{array}{l} \text{گریه ابر: ابر (مشبه) مانند انسان (مشبه‌به) است که می‌گرید (ویژگی مشبه‌به).} \\ \text{چهره زرد خزان: خزان (مشبه) مانند انسان (مشبه‌به) است که چهره‌ای زرد دارد (ویژگی مشبه‌به).} \end{array} \right\}$

نمونه‌هایی از شکل دوم استعاره مکنیه (صورت غیراضافی)

مثال ۱۲ یاد تو می‌وزد ولی بی‌خبرم ز جای تو کز همه‌سوی می‌رسد نکبت آشنای تو (نکبت: بوی خوش) *حسین منزوی*

استعاره مکنیه: یاد تو (مشبه) مانند باد است (مشبه‌به) که می‌وزد (ویژگی مشبه‌به).

مثال ۱۳ عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند که در این دایره سرگردانند *ماخذ*

استعاره مکنیه: عشق (مشبه) مانند انسانی است (مشبه‌به) که می‌داند، دانایی دارد (ویژگی مشبه‌به) (دایره در مصراع دوم استعاره مصرحه است و نکته ۱) را یادآوری می‌کند). «پرگار وجود» هم اضافه تشبیهی است.

تشخیص (انسان‌نگاری، جان‌بخشی، Personification)

یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین اشکال استعارهٔ مکنیه، تشخیص است. هنگامی که در یک استعاره، مشبه غیر انسان باشد و مشبه‌به انسان؛ آن استعاره از نوع تشخیص است. به عبارت دیگر اگر به یک غیرانسان یکی از کنش‌ها، ویژگی‌ها یا صفات انسانی نسبت داده شود با تشخیص یا جان‌بخشی مواجهیم. (تشخیص یعنی شفصیت‌دادن، تو این آرایه داریم به چیزهای غیرانسان، شفصیت انسانی می‌دیم.)

مثال ۱۴ بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران *سعدی*
سنگ (مشبه‌به غیرانسان) کنشی انسانی انجام داده است (ناله کردن)؛ پس تشخیص و استعارهٔ مکنیه داریم.

مثال ۱۵ تو را صبا و مرا آب دیده شد غمّاز
وگر نه عاشق و معشوق رازدارانند *ماقظ* (غمّاز = خبرچین)
این‌که باد صبا و اشک خبرچینی کنند (که عملی انسانی است)، تشخیص و استعارهٔ مکنیه است.

مثال ۱۶ گریهٔ شمع از برای ماتم پروانه نیست
چون تواند خار حسرت از دل بلبل کشید
صبح نزدیک است، در فکر شب تار خود است
غنچهٔ بی دست و پا، درماندهٔ خار خود است *صائب تبریزی*

گریه کردن شمع در ماتم پروانه
این‌که شمع در فکر شب تار خود باشد
این‌که بلبل، حسرت به دل داشته باشد
این‌که غنچه بی دست و پا و ناتوان و درمانده باشد
همگی ویژگی‌هایی انسانی هستند؛ پس تشخیص و استعارهٔ مکنیه داریم.

نکته

شکل رایجی از به کار بردن آرایهٔ تشخیص، صحبت کردن یا خطاب قراردادن غیرانسان است. وقتی با یک گل حرف می‌زنیم، یک سنگ را خطاب می‌کنیم، با رود درد دل می‌کنیم و ... در واقع این پدیده‌ها را دارای هوش و درک دانسته‌ایم و این صفتی انسانی است؛ لذا از آرایهٔ تشخیص استفاده کرده‌ایم.

مثال ۱۷ قاصدِ روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد باران؟ *نیمایوشیچ*

مقاطب قراردادن داروگ - تشفیه

مثال ۱۸ ای آفتاب آهسته نه پا در حریم یار من
ترسم صدای پای تو خواب است بیدارش کند *فردون مشیری*

مقاطب قراردادن آفتاب - تشفیه

مثال ۱۹ صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را *ماقظ*

مقاطب قراردادن صبا و صحبت کردن با او - تشفیه

هشدار! خطاب قرار گرفتن غیر انسان، همیشه هم تشخیص نیست! دو حالت داریم:

الف) اگر هنگام خطاب، منظورمان خود آن پدیدهٔ غیرجاندار و غیرانسان باشد تشخیص و استعارهٔ مکنیه داریم، مانند مثال‌های زیر:

ای گل! گمان مبر به شب جشن می‌روی
شاید به خاک مرده‌ای ارزانی‌ات کنند *فافل نظری*

(شاعر واقعاً دارد با گل حرف می‌زند) ← گل تشخیص و استعارهٔ مکنیه

امشب ای ماه به درد دل من تسکینی
آخر ای ماه تو هم‌درد من مسکینی *شوریار*

(شاعر واقعاً دارد با ماه حرف می‌زند) ← ماه، تشخیص و استعارهٔ مکنیه

ب) اگر هنگام خطاب منظورمان آن پدیدهٔ غیرجاندار یا غیرانسان نباشد، بلکه مثلاً به انسان بی‌رحمی بگوییم «ای سنگ» یا به انسان شجاعی بگوییم «ای شیر» استعارهٔ مصرّحه داریم و نه تشخیص. مثال:

تو را حکایت ما مختصر به گوش آید
که حال تشنه نمی‌دانی ای گل سیراب *سعدی*

(شاعر دارد با معشوقش حرف می‌زند و او را گل خطاب می‌کند) ← گل استعارهٔ مصرّحه از معشوق نامهربان

ای سرو خرامان! گذری از در رحمت
وی ماه درفشان! نظری از سر رأفت *سعدی*

(شاعر دارد با معشوقش حرف می‌زند و او را سرو و ماه خطاب می‌کند) ← سرو و ماه استعارهٔ مصرّحه از معشوق قد بلند و زیبا

نکته

پس، گاهی کلمه‌ای که غیرانسان است و منادا واقع می‌شود، ممکن است تشخیص نباشد. مثلاً اگر بگوییم «ای گل!» ولی منظورمان کسی باشد که او را به گل تشبیه کرده‌ایم، گل استعارهٔ مصرّحه است و تشخیص ندارد.

۱- توصیه‌های غیر کنکوری: سینمای استاد علی‌فانمی، به سینمای شاعرانه‌س و پیوند عمیقی با فرهنگ و رسوم ایرانی دارد. فیلم «دلشگران» پره از کارهای زیبا، دیالوگ‌های شاعرانه و موسیقی‌های دل‌انگیز. این بیت، یکی از شعرهایی که تو به سلاطین این فیلم فونده می‌شه. ضمناً سرایش این بیت رو به فخر دشتستانی هم نسبت دادن.

- ۱- تشخیص
 ۱- الف) منادا قراردادن غیرانسان: ای آبشار! نوحه‌گر از بهر چیستی؟
 ب) نسبت‌دادن افعال و اجزای انسان به غیرانسان: رود، خشمگین است.
- ۲- اضافه استعاری
 ۲- الف) از نوع تشخیص: قلب آسمان
 ب) از نوع غیر تشخیص: کنگره عرش
- ۳- ذکر مشبه به همراه ویژگی یا اجزای مشبه‌به: قضا چون ز گردون فروهشت پر
 مشبه ویژگی مشبه‌به

تذکر گاهی در سؤالات و تست‌ها به استعاره مصرّحه، استعاره نوع اول و به استعاره مکنّیه، استعاره نوع دوم می‌گویند. برای جمع‌بندی بحث (و مشاهده روال زیباتر و ادبی‌تر شدن سخن از تشبیه تا استعاره)، جدول زیر را ببینید:

تشبیه گسترده	مشبه	ادات تشبیه	مشبه‌به	وجه شبه
آمد و به چشمانش که	مشبه	مثل	دریا	عمیق و آبی و زیباست
آمد و به	مشبه	دریای چشمانش	مشبه‌به	وجه شبه
آمد و به	مشبه	دریا	مشبه‌به	وجه شبه
آمد و به چشمان	مشبه	مواج و عمیقش (مواج و ویژگی بودن ویژگی دریاست.)	مشبه‌به (یکی از ویژگی‌های مشبه‌به)	وجه شبه

کنکور باکس

تعدادی از رایج‌ترین استعاره‌های مصرّحه:

- پری، صنم، بت، سرو، صنوبر، نگار، شمشاد، ماه، خورشید، آفتاب و ... **استعاره از معشوق**
- گل، خورشید، ماه، گلبرگ ← صورت (زیبای معشوق)
- پسته، حقه لعل، غنچه ← دهان
- مروارید، لؤلؤ ← دندان
- لعل، یاقوت (شکر، قند)، عناب، آب حیات ← لب
- دُر، گوهر ← سخن ارزشمند
- فندق ← ناخن
- چرخ، سقف سبز، طاق مینا، گنبد مینا ← آسمان
- دانه و دام ← خال و خط
- نرگس، بادام ← چشم
- کمان، هلال، طاق، محراب ← ابرو
- تیر، ناوک، نیزه ← مژه یا ناز نگاه (غمزه)
- شب، مشک، سنبل، کمند ← مو
- گلاب، اختر، مروارید، شبنم، زاله، خون، الماس، دُر ← اشک
- زند، کاروانسرا، بازار، قفس ← دنیا
- دود ← آه و ناله
- آتش ← غم و اندوه

۱- دقت کنید بعضی از این کلمات ممکن است استعاره از چیزهای دیگری هم باشند. در کل استعاره مبحث گسترده‌ای است و این‌جا فقط سعی کردیم تعدادی از پرکاربردترین استعاره‌ها را برایتان بیاوریم.



پرسش های چهارگزینه ای

سوالاتی که تو بخش اول می بینی، اکثرًا از تمرین ها و مثال های کتابن؛ بعضیاش هم جنبه آموزشی داره و کنکوری نیست. یادت نره تو عروض حتی اگه ریتم مثال ها رو حفظ بشی. بهت کمک می کنه.

۳۹۴- وزن بیت زیر کدام است؟

- «سلسله موی دوست حلقه دام بلاست» هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست»
- (۱) مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن
(۲) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
(۳) مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن
(۴) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

۳۹۵- کدام عبارت بر وزن «مستفعلن فعولن» است؟

- (۱) با او نظری دارد
(۲) دردا که راز پنهان
(۳) تا چهره برافروزد
(۴) آن ماه پری رخ را

۳۹۶- اوزانی که به دو صورت می تواند جدا شوند با کدام وزن واژه شروع می شوند؟

- (۱) مفعول (۲) مفتعلن (۳) فعولن (۴) مفاعیلن

۳۹۷- تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر در کدام گزینه به درستی مشخص شده است؟

- «کشته معشوق را درد نباشد که خلق زنده به جاناند و ما زنده به تأثیر او»
- (۱) -UU- / -UU- / -UU- / -UU-
(۲) -UU- / -UU- / -UU- / -UU-
(۳) -UU- / -UU- / -UU- / -UU-
(۴) -UU- / -UU- / -UU- / -UU-



۳۹۸- کدام بیت در وزن «مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن» سروده شده است؟

- ۱) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی
- ۲) تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او
- ۳) هان ای دل عبرت‌بین از دیده عبر کن هان
- ۴) من زنده بودم اما انگار مرده بودم

۳۹۹- وزن کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) آیینۀ سکندر جام می است بنگر
- ۲) ای صاحب کرامت شکرانۀ سلامت
- ۳) ای دوست شکر بهتر یا آن که شکر سازد
- ۴) ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد

۴۰۰- چند مورد از عبارات زیر بر وزن «مفتعلن فاعلن» هستند؟ (هجای پایانی را بلند در نظر بگیرید.)

«ای لب میگون تو - هر سحری که نسترن - در کوی نیکنای - گر سپر انداختیم - محرم اسرار عشق - بس که بسوزد از غمش - دلبر شیرین سخن»

- | | | | |
|--------|-------|-------|---------|
| ۱) پنج | ۲) دو | ۳) سه | ۴) چهار |
|--------|-------|-------|---------|
- ۴۰۱- وزن کدام مصراع‌ها همسان دولختی است؟
- الف) کو زنده‌دلی تا جان در پای تو اندازد
ب) سعدی که شوخی می‌کند گوهر به دریا می‌برد
- | | |
|------------|----------|
| ۱) الف - ب | ۲) پ - ت |
|------------|----------|
- ۴۰۲- کدام بیت وزنی همسان دولختی دارد؟

- ۱) درودی چو نور دل پارسایان
- ۲) الفبای درد از لبم می‌تراود
- ۳) چو دل برنهی بر سرای کهن
- ۴) آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد

۴۰۳- در بیت زیر چند هجای کشیده را باید بلند به حساب بیاوریم؟

«سلسله موی دوست حلقه دام بلاست هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست»

۱) یک	۲) دو	۳) سه	۴) چهار
-------	-------	-------	---------

📌 سؤال‌ها از این‌جا به بعد کمی چون دایره می‌شود و البته مثال‌ها و تمرین‌های کتاب نیست.

۴۰۴- وزن واژه‌های کدام مصراع روبه‌روی آن نادرست آمده است؟

- ۱) ای گشته نهان از من پیدات همی جویم: مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن
- ۲) قوت دل می‌دهد بوسه جان پرورش: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
- ۳) در آرزوی رویش چندین عجب نباشد: مستفعَلن فعولن مستفعَلن فعولن
- ۴) هر نفسم فراق تو وعده به محنتی کند: مستفعَل مفعولن مستفعَل مفعولن

۴۰۵- پس از تقطیع هجایی، وزن واژه‌های بیت زیر به چه صورت خواهد بود؟

- «چو پیش خاطر آید، خیال صورت خوبت»
- ۱) مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن
 - ۲) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
 - ۳) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
 - ۴) مستفعَل مفعولن مستفعَل مفعولن

۴۰۶- کدام بیت در وزنی متفاوت سروده شده است؟

- ۱) در خانه گرم هر شب، از ماه بود شمعی
- ۲) بر آتش دل آبی، از دیده همی‌ریزم
- ۳) ای کاشکی رقیبان، دانند قیمت تو
- ۴) اندر ره او نبُود، جان‌کندن من ضایع

۴۰۷- وزن بیت زیر کدام است؟

- «چه خوش است صوت قرآن، ز تو دل‌با شنیدن»
- ۱) مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن
 - ۲) فَعَلاتُ فَعَلاتن فَعَلاتُ فَعَلاتن
 - ۳) مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن
 - ۴) مستفعَل مفعولن مستفعَل مفعولن



۴۰۸- هجای پایان نیم‌مصراع وزن دوری، در کدام بیت باید تغییر کند؟

- (۱) از پسته تنگ خود، آن یار شکر بوسه
 (۲) ای کرده رخت پیدا، بر روی قمر لاله
 (۳) مه نور همی‌خواهد، از روی تو در پرده
 (۴) ای قبله جان هر شب، بر خاک درت عاشق

۴۰۹- تقطیع هجایی کدام مصراع روبه‌روی آن نادرست است؟

- (۱) در کوی وصال آخر این خانه دری دارد: --U--/U--/U--/U--
 (۲) دل به تو داده‌ام ولی باز در این تردم: --U--U--/U--U--/U--U--
 (۳) زهر غمش می‌خورم بو که به شیرین‌لبان: --U--/U--/U--/U--
 (۴) گردون چو رخت ماهی نادیده به دوران‌ها: ---/UU--/---/UU--

۴۱۰- وزن کدام گزینه دوری نیست؟

- (۱) اندر ره عشقی تو گامی زدم و چون خود
 (۲) مکن به آتش هجران دگر عذاب کسی را
 (۳) باد لطفش وانشاندی آتش این ظلم را
 (۴) روی ز چشم می‌پوش تا نتواند فکند

۴۱۱- کدام بیت با بیت زیر هم‌وزن است؟

- «مُلکم اگر جهان بود، ترک کنم برای تو»
 (۱) زلف تو هندونژاد، لعل تو کوثرنهاد
 (۲) چون تیر زند چشمت، سیاره هدف گردد
 (۳) بی سببی ترک من ای ترک پری‌رخ چه دهی
 (۴) چون به هوای کوی تو، عمر به باد داده‌ام

۴۱۲- وزن کدام مصراع‌ها را می‌توان به دو شکل بیان کرد؟

- (الف) مرغ دلم صید کرد غمزه چون تیر او
 (ب) عمری به بوی یاری کردیم انتظاری
 (پ) گر زخم زنی شاید بر دیده گریانم
 (ت) نه منظوری که با او می‌توان گفت

(۱) الف - ب (۲) ب - پ (۳) پ - ت (۴) الف - ت

۴۱۳- بیت زیر در وزن دوری «مستفعلن فع مستفعلن فع» سروده شده است، کدام بیت با آن هم‌وزن است؟

- «چندان که گفتم، غم با طیبیان»
 (۱) با مدعی مگوید اسرار عشق و مستی
 (۲) آیین تقوا مانیز دانیم
 (۳) سلامی چو بوی خوش آشنایی
 (۴) گرچه یاران فارغانند از یاد من

۴۱۴- کدام گزینه با توجه به وزن، بیت زیر را کامل می‌کند؟

- «چون زلف توام جانا در عین»
 (۱) بی‌کرانی
 (۲) دلبری
 (۳) سبکبالان
 (۴) زمانی

۴۱۵- وزن دو مصراع کدام گزینه برابر نیست؟

- (۱) دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد
 (۲) ای کسوت زیبایی بر قامت چالاکت
 (۳) چند نصیحت کنند بی‌خبرانم به صبر
 (۴) هم تازه‌رویم هم خجل هم شادمان هم تنگدل

۴۱۶- بیت زیر در وزن همسان دولختی «فاعِلن مفاعِلن فاعِلن مفاعِلن» سروده شده است. کدام بیت با آن هم‌وزن نیست؟

- «آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی»
 (۱) وقت را غنیمت دان آن قَدَر که بتوانی
 (۲) روی پرنگارش بین چشم پرخمارش بین
 (۳) گر به خون مشتاقان، تیغ او کشد گردن
 (۴) همه کس کشید محمل به جناب کبریایت

- دست خود ز جان شستم از برای آزادی»
 حاصل از حیات ای جان این دم است تا دانی
 لعل آبدارش بین ماه نیم‌روزی را
 تا قیامت از سرها جای مو دمَد گردن
 من و خجلت سجودی که نریخت گل به پایت



۴۱۷- کدام عبارت جدول زیر را کامل می‌کند؟

بن شین چُ گل	در کب نا	تا بش کُ فد	گل ز خا رم
تا در د لم	در سی نِ مَأ	وا گب رف تی
(۱) جاگرفتی	(۲) نشستی	(۳) گرفتارم	(۴) می‌آمدی

۴۱۸- وزن کدام بیت همسان دولختی نیست؟

- (۱) امید در شب زلفت به روز عمر نیستم
- (۲) نه من انگشت‌نمایم به هواداری رویت
- (۳) ز بنفشه تاب دارم که ز زلف او زند دم
- (۴) حافظ نگشتی شیدای گیتی

۴۱۹- وزن کدام بیت را می‌توان به دو شکل بیان کرد؟

- (۱) دور از تو هر شب تا سحر گریان چو شمع محفلم
- (۲) دل زودبآورم را به کرشمه‌های ربودی
- (۳) کیست که قصه مرا پیش نگار من بزد
- (۴) ما را که شور لعلش در سر مدام باشد

۴۲۰- وزن همه ابیات، به جز بیت «دوری» است.

- (۱) نسیم عشق ز کوی هوس نمی‌آید
- (۲) دل من ز تابناکی به شراب ناب ماند
- (۳) تا دامن از من کشیدی ای سرو سیمین‌تن من
- (۴) ای که پس از هلاک من پای نهی به خاک من

۴۲۱- پایه‌های آوایی کدام مصراع در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (۱) دولت جان پرور است صحبت آموزگار: دولت جان/ پرور است/ صحبت آ/ موزگار
- (۲) هرگز کسی به خوبی چون یار ما نباشد: هرگز کسی/ به خوبی/ چون یار ما/ نباشد
- (۳) ای بت نازنین من دور مشو ز پیش من: ای بت نا/ زنین/ من دور م/ شو ز پیش من
- (۴) دل اوفتاده عاجز در آستانه تو: دل اوفتا/ د عاجز/ در آستا/ نه تو

۴۲۲- چند بیت از ابیات زیر در وزن دوری سروده شده‌اند؟

- (الف) ما و شراب و نای و دف، صوفی و کنج صومعه
 - (ب) هرگز نباید خواب خوش در چشم من تا ناگهان
 - (پ) چون ما به هیچ حالی آزار کس نخواهیم
 - (ت) آتش غوغای عشق چون بنشستی نشست
 - (ث) آن روز که در محشر مردم همه گرد آیند
- (۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۲۳- وزن کدام بیت در مقابل آن نادرست است؟

- (۱) چون تو در آمدی اگر غرقه خون نبودمی
- (۲) می اکنون در قح ریزم که خواجه می‌پرست آمد
- (۳) خسرو چگونه سازد منزل به صدر شیرین
- (۴) برو ای باد بهاری به دیاری که تو دانی

۴۲۴- کدام مصراع وزن متفاوتی دارد؟

- (۱) حیف است پست گیرید معراج پشت پا را
- (۲) هرچند نوبهاریم یا جوش لاله‌زاریم
- (۳) در فکر حق و باطل خوردیم عبث خون‌ها
- (۴) در حق ما بلند است دست دعای مطرب

۴۲۵- کدام بیت با بیت زیر هم‌وزن است؟

- «شب زندگی سر آمد به نفس‌شماری آخر»
- (۱) نتوان کرد به این عجز مگر صید تحیر
 - (۲) چه قیامت است یا رب به جهان بی‌نیازی
 - (۳) هدف مقصد ما سخت بلند افتاده است
 - (۴) اگر از بندگی آگاه شوی

(سراسری انسانی ۹۰)

۴۲۶- وزن کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

«نسیم زلف تو چون بگذرد به تربت حافظ
(۱) اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد
(۲) بسوخت حافظ و ترسم که شرح قصه او
(۳) امید هست که زودت به بخت نیک ببینم
(۴) لطیفه‌ای به میان آر و خوش بخندانش

۴۲۷- وزن کدام بیت همسان است؟

(۱) پای دل رمیده گر باز به دستم آمدی
(۲) کعبه چو آمد سوی من جانب کعبه نروم
(۳) خاک در سرای تو آب زخم به دیدگان
(۴) دست امید من عجب گر به وصال او رسد

۴۲۸- کدام بیت در وزن همسان دولختی سروده نشده است؟

(۱) لعبت پری‌پیکر آفتاب شب‌زیور
(۲) اسیر بند شود هر که بنده تو نگردد
(۳) با صوفی صافی گو در درد مغان آویز
(۴) تنم تنها نمی‌خواهد که در کاشانه بنشیند

۴۲۹- کدام بیت با بیت زیر هم‌وزن است؟

«اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب
(۱) ای گنج نوشدارو با خستگان نگه کن
(۲) از بس که در نظرم خوب آمدی صنما
(۳) ای بخت سرکش تنگش به بر کش
(۴) رفتی و هم‌چنان به خیال من اندری

۴۳۰- کدام مصراع با مصراع «چشم نمی‌کنم به خود تا چه رسد به دیگری» هم‌وزن است؟

(۱) چون که تو دست شفقت بر سر ما داشته‌ای
(۲) گر تو بهایی بنهی تا که مرا دفع کنی
(۳) ای دل و جان بنده تو بند شکرخنده تو
(۴) کس نگذشت در دلم تا تو به خاطر منی

۴۳۱- کدام بیت با بیت زیر هم‌وزن است؟

«من ای صباره رفتن به کوی دوست ندانم
(۱) اگر مطالعه خواهد کسی بهشت برین را
(۲) ندهم دل به قد و قامت سرو
(۳) به خواب در نرود چشم بخت من همه عمر
(۴) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست

۴۳۲- وزن همه ابیات زیر یکسان و به الگوی همسان دولختی است، به جز

(۱) تن آسوده چه داند که دل خسته چه باشد
(۲) تو امیر ملک حسنی به حقیقت ای دریغا
(۳) به رهت نشسته بودم که نظر کنی به حالم
(۴) شکرین حدیث سعدی بر او چه قدر دارد

۴۳۳- وزن همه ابیات «دوری» است؛ به جز

(۱) صید بیابان عشق چون بخورد تیر او
(۲) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای
(۳) بیا که در غم عشقت مشوشم بی تو
(۴) می‌برزند ز مشرق شمع فلک زبانه

۴۳۴- وزن عروضی مصراع «چشم تماشای خلق در رخ زیبای اوست» با کدام مصراع همسان است؟

(۱) گر مرد رهی باخبر از ناله دل باش
(۲) خوش‌تر از دانه اشکم گه‌ری پیدا نیست
(۳) قطع نظر ز دشمن ما کرد چشم دوست
(۴) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای

ز خاک کالبدش صد هزار لاله برآید»
گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست
به سمع پادشاه کامگار ما نرسد
تو شاد گشته به فرماندهی و من به غلامی
به نکته‌ای که دلش را بدان رضا باشد

ترک تو کردمی و خویش از همه وارهاند می
ماه من آمد به زمین قاصد کیوان نشوم
تا گل قالبم شود خاک در سرای تو
پشه کسی ندید کاو صید کند عقاب را

گر ندیده‌ای بنگر ماه نیم‌روزی را
جفای خویش کشد هر که آشنای تو نبود
کان دل که بود صافی از درد نپرهیزد
دلم را دل نمی‌آید که بی جانانه بنشیند

گر ذوق نیست تو را کژطبع جانوری»
مرهم به دست و ما را مجروح می‌گذاری
هر جا که می‌نگرم گویی که در نظری
گه جام زر کش گه لعل دلخواه
گویی که در برابر چشمم مصوری

تو می‌روی به سلامت سلام ما برسانی»
بیا مطالعه کن گو به نوبهار زمین را
که چو بالای دل‌پذیر تو نیست
گرش به خواب ببینم که در کنار من است
که خار دشت محبت گل است و ریحان است

من گرفتار کمندم تو چه دانی که سواری
اگر التفات بودی به فقیر مستمندت
نکنی که چشم مستت ز خمار بر نباشد
که چون او هزار طوطی مگس است پیش قدش

سر نتواند کشید پای ز زنجیر او
حسن تو جلوه می‌کند وین همه پرده بسته‌ای
بیا ببین که در این غم چه ناخوشم بی تو
ای ساقی صبوحی درده می شبانه



(سراسری انسانی ۹۹)

(فارج انسانی ۹۹)



۴۳۵- همهٔ ابیات در وزن همسان دولختی سروده شده‌اند، به جز

(فارج انسانی ۹۹)

- ۱) زان پرده می‌گشاید دل‌بند نازنینم
- ۲) هر گوشه کمین کرده ابروی کماندارش
- ۳) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای
- ۴) قامت به ناز افراخته خلقی ز پا انداخته

۴۳۶- کدام بیت فاقد وزن «دوری همسان دولختی» است؟

(سراسری انسانی ۱۳۰۰)

- ۱) تا تو به گلشن آمدی با همه در کشاکشم
- ۲) در وادی محبت دانی چه کار کردم
- ۳) تا خیل غمت خیمه زد اندر دل تنگم
- ۴) ای کعبه مقصودم وی قبلهٔ آمالم

۴۳۷- وزن کدام بیت «دوری» است؟

(فارج انسانی ۱۳۰۰)

- ۱) باز آی و بر چشم نشین ای دلستان نازنین
- ۲) نعیم هر دو جهان پیش عاشقان به جوی
- ۳) زاهد از ما به سلامت بگذر کاین می لعل
- ۴) به شوق چشمهٔ نوشت چه قطره‌ها که فشاندم

۴۳۸- کدام ابیات در بردارندهٔ مفهوم «انتظار» است؟

(سراسری انسانی ۱۳۰۰)

- الف) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست
 ب) ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد
 ج) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این که
 د) شب چو دریستم و مست از می نابش کردم
 ه) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
- ۱) الف - ج ۲) الف - ه ۳) ب - د ۴) ب - ه

۳۹۷- گزینه ۳

کَش تِ يِ مَع شَوْ قِ رَا | دَر دِنِ بَا شَد كِ خَلْقِ
 زَن دِ بِ جَا نِن دُ مَا | زَن دِ بِ تَعِ ثِي رِ اَوْ
 _ U _ _ U U _ _ U _ _ U _ _

۳۹۸- گزینه ۱ و ۴ مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن)

۲ مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن

۳۹۹- گزینه ۳ مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (مفعول مفاعلهن مفعول مفاعلهن)

سایر گزینه‌ها: مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)

۴۰۰- گزینه ۴ ای لب میگون تو - گر سپر انداختیم - محرم اسرار عشق - دلبر شیرین سخن ← مفتعلن فاعلهن

اِی لِبِ مِی گَوْنِ تُو
 گَر سِپَرِ زَن دَا خُ تِیْمِ
 مَحْرَمِ اسْرَارِ عَشْقِ
 دَلْبَرِ شِیْرِیْنِ سَخْنِ
 _ U _ _ U U _ _

هر سحری که نسترن - بس که بسوزد از غمش ← مفتعلن مفاعلهن در کوی نیکنمایی ← مستفعلن فاعولن (مفعول فاعلاتن)

۴۰۱- گزینه ۱

(الف): کَو زَن دِ دِ لِی تَا جَا نِ | دَر پَا یِ تُو اَنْ دَا زَدِ
 _ _ _ U U _ _ _ _ _
 مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن

(ب): اِی چِش مِ مِی پَس تَتِ | اِ شَو بِ چِش مِ بِن دَانِ
 _ _ _ U _ _ U _ _ _ _
 مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن

(پ): مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (همسان)

(ت): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (همسان)

۴۰۲- گزینه ۴ ابیات ۱، ۲ و ۳ از تکرار «فاعولن» تشکیل شده‌اند و وزن آن‌ها همسان است اما بیت ۴ بر وزن «مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن» و به صورت همسان دولختی است.

اِ ب زَ نِی دَ رَا هِ | رَا هِیْنِ كِ نِ گَا زُ مِی رِ سَدِ
 مُزْ دِ دَ هِی دُ بَا غِ رَا | بُو یِ بَ هَا زُ مِی رِ سَدِ
 _ U _ _ U _ _ U _ _ U _ _ U _ _
 مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن

۴۰۳- گزینه ۴

نکته
 در وزن دوری علاوه بر هجای پایان مصراع، هجای پایان هر نیم‌مصراع را نیز باید بلند به حساب بیاوریم؛ یعنی اگر کوتاه یا کشیده بود، ما آن را بلند به حساب می‌آوریم و به جایش «-» می‌گذاریم.

بِیْلِ سِ لِ یِ | مَو یِ دَوِ سْتِ | حَلِ قِ یِ دَا | مِ بِ لَاسْتِ
 _ U _ _ U _ _ U _ _ U _ _
 مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن

۳۹۴- گزینه ۲

سَلِ سِ لِ یِ | مَو یِ دَوِ سْتِ | حَلِ قِ یِ دَا | مِ بِ لَاسْتِ
 هَر كِ دَ رِیْنِ | حَلِ قِ نِیْسْتِ | فَا رِ غَ زِیْنِ | مَا جَ رَاسْتِ
 _ U _ _ U _ _ U _ _ U _ _
 مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن

۳۹۵- گزینه ۲

بَا اَوْ نَ ظَا | رِی دَا رَدِ
 تَا چِه رِ بَ | زَف رَو زَدِ
 اَنْ مَاهِ پَ | رِی رَخِ رَا
 _ _ _ U U _ _ _
 مستفعل مفعولن
 (مفعول مفاعلهن)

دَر دَا كِ رَا | زِ پِن هَانِ
 _ _ _ U _ _
 مستفعلن فاعولن
 (مفعول فاعلاتن)

۳۹۶- گزینه ۱ تا به حال دو وزن را آموختیم که به دو صورت جدا می‌شوند:

مفعول مفاعلهن مفعول مفاعلهن ← مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن
 مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن ← مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن

نکته
 در سال آینده نیز وزن‌های دیگری می‌آموزید که با «مفعول» شروع می‌شوند و آن‌ها را می‌توان به دو شکل جدا کرد که در حالت دیگر با «مستفعل» یا «مستفعلن» شروع می‌شوند.

۴۱۱- گزینہ ۴ وزن دو بیت «مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن» است.

بیت ۱) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

بیت ۲) مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن

بیت ۳) مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

۴۱۲- گزینہ ۲ (الف): مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

(ب): مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن یا مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

(پ): مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن یا مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

(ت): مفاعیلن مفاعیلن فعولن

۴۱۳- گزینہ ۲

چن دان ک	گف تم	غم با	ط بی	بان
در مان ن	کر دند	مس کین غ	ری بان	
— — —	— — —	— — —	— — —	— — —
ا بی ن	یق وا	ما نی	ز دا	نیم
لی کن چ	چا ر	با بخ	ت گم	راه
— — —	— — —	— — —	— — —	— — —

۱) مستفعل فعولن مستفعل فعولن

۲) فعولن فعولن فعولن فعولن

۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۴۱۴- گزینہ ۳

چُن زُل ف	تُ اَم جا نا	در عی ن
چُن با د	سَ حَر گا هَم	در بی س	رُ سا ما نی
— — —	— — —	— — —	— — —
مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن

جای خالی باید بر وزن مفاعیلن باشد ← سَ بَک با لان

۴۱۵- گزینہ ۳ مصراع اول:

چن د ن صی	حت ک نند	بی خ ب را	نم ب صبر
— — —	— — —	— — —	— — —
مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	فاعل

مصراع دوم:

با ر ب یف	ک نَد شُ ثر	چُن ب ر	سَد ب من ز لی
— — —	— — —	— — —	— — —
مفتعلن	مفاعیلن	مفتعلن	مفاعیلن

۱) هر دو مصراع مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن یا مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

۲) هر دو مصراع مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن یا مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۳) هر دو مصراع مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۴۱۶- گزینہ ۴

سؤال: آن ز مان ک بن ها دم سر ب پا ی ا زا دی

۱) وقت را غ نی مت دان آن قی در ک بت وا نی

۲) روی پُر ن گا رش بین چشم م پر خ ما رش بین

هر ک د ریئ حل قی نیست فا ر غ زین ما ج راست

— — —	— — —	— — —	— — —
مفتعلن	مفاعیلن	مفتعلن	مفاعیلن

۴۰۴- گزینہ ۴

هر ن ف سم ف را قی ت وع د ب مح ن تی د هد

— — —	— — —	— — —	— — —
مفتعلن	مفاعیلن	مفتعلن	مفاعیلن

مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

۴۰۵- گزینہ ۱

چ پی شی خا ط ز ما ید خ یا ل صو ز ت خوبت

— — —	— — —	— — —	— — —
مفاعیلن	فاعلاتن	مفاعیلن	فاعلاتن

مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

۴۰۶- گزینہ ۲ وزن بیت ۲) مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن

(مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)

وزن ابیات سایر گزینہ ها: مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)

نکته

در خواندن شعر، برای درست شدن وزن گاهی باید حرف دوم فعل را ساکن خواند؛ مثال:

نَبُود ← نَبُود / نَتوانم ← نَتوانم / بَسْتَد ← بَسْتَد / بِنویسم ← بِنویسم

۴۰۷- گزینہ ۲

چ خُ شس ت صو ت قُر عان ز ت دل ز با ش نی دن

— — —	— — —	— — —	— — —
فَعَلات	فَاعلاتن	فَعَلات	فَاعلاتن

فَعَلات فاعلاتن فَعَلات فاعلاتن

۴۰۸- گزینہ ۴ هجای پایان نیم مصراع در وزن دوری، اگر «کوتاه» یا

«کشیده» باشد باید بلند به حساب بیاید ← در بیت ۴) در مصراع

دوم هجای «د» کوتاه است و باید بلند به حساب بیاید:

چون کعبه روان داد، بر روی حجر بوسه



در سایر ابیات هجای پایانی نیم مصراع خودش بلند است و تغییری لازم ندارد.

۴۰۹- گزینہ ۱

در کو ی و صا لا خر این خا ن د ری دا رد

— — —	— — —	— — —	— — —
— — —	— — —	— — —	— — —

۴۱۰- گزینہ ۳

۱) مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)

۲) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۴) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن



۴۲۴- **گزینه ۳** وزن این مصراع، مستفعل مفعولن یا مفعول مفاعیلن است. البته نیم مصراع اول را می توان در وزن «مستفعلن فاعولن یا مفعول فاعلاتن» نیز خواند اما ادامه آن را نمی توان این گونه خواند. سایر مصراع ها بر وزن مستفعلن فاعولن یا مفعول فاعلاتن هستند.

۴۲۵- **گزینه ۲** وزن بیت ۲ در صورت سؤال: «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن»

وزن سایر ابیات:

۱ فعلاتن × ۴ + ۳ فعلن

۲ فعلاتن × ۲ + فعلن

۴۲۶- **گزینه ۳** وزن این بیت و صورت سؤال «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن» به صورت همسان دولختی است. وزن گزینه های دیگر شکل ناهمسان دارد: مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن یا فعلن. همسان است.

۴۲۷- **گزینه ۲** وزن این بیت، «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» و همسان است.

سایر ابیات بر وزن همسان دولختی «مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن» هستند.

۴۲۸- **گزینه ۴** وزن این گزینه، «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است که همسان است.

وزن سایر ابیات:

۱ فاعیلن مفاعیلن × ۲

۲ مستفعل مفعولن یا مفعول مفاعیلن × ۲

۴۲۹- **گزینه ۲** وزن هر دو بیت: «مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن»

وزن سایر ابیات:

۱ مستفعلن فاعولن

۲ مستفعلن فع

۳ مستفعلن مفاعیل مستفعلن فعل

۴۳۰- **گزینه ۴** وزن این مصراع و صورت سؤال، «مفتعلن مفاعیلن» است اما سایر مصراع ها از ۴ بار تکرار «مفتعلن» ساخته شده اند.

۴۳۱- **گزینه ۱** و صورت سؤال: «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن»

۲ فعلاتن مفاعیلن فعلن

گزینه های ۳ و ۴ مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن

۴۳۲- **گزینه ۱** وزن بیت ۱ از ۴ بار تکرار فعلاتن ساخته شده و همسان یک پایه ای است.

سایر ابیات بر وزن «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن» است.

۴۳۳- **گزینه ۳** وزن «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن» است که ناهمسان به حساب می آید.

وزن سایر ابیات:

۱ مفتعلن فاعیلن مفتعلن فاعیلن ۲ مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

۳ مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)

۴۳۴- **گزینه ۴** وزن هر دو مصراع «مفتعلن فاعیلن مفتعلن فاعیلن» است.

۱ مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (در سال بعد با این وزن آشنا خواهید شد).

۲ فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلن

۳ مستفعلن مفاعیل مستفعلن فعل (در سال بعد با این وزن آشنا خواهید شد).

۴۳۵- **گزینه ۴** وزن این گزینه «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است که همسان است.

۴ گر ب خو ن مُش تا قان تی غ او ک شد گر دن
 _ _ _ U _ U _ _ _ U _ U _
 فاعیلن مفاعیلن فاعیلن فاعیلن

۴ فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

۴۱۷- **گزینه ۱** وزن شعر:

_ _ _ U _ _ U _ _ _ U _ _ U _
 مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن
 جا گ رف تی

۴۱۸- **گزینه ۲** وزن بیت ۲ فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» با وزن «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن» بسیار شبیه هستند! باید حتماً تمرین زیاد انجام دهید.

۱ مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن

۲ فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

۳ مستفعلن فع مستفعلن فع (فعلن فاعولن / فعلن فاعولن)

۴۱۹- **گزینه ۴**

ما را ک شو ر لع لش در سر م دا م با شد
 _ _ _ U _ _ U _ _ _ U _ _ U _
 مفعول فاعلاتن مفعول فاعولن مستفعلن فاعولن

می بینید با توجه به نوع تقطیع، می توان وزن این بیت را به دو شکل بیان کرد:

۱ مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

۲ مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن

بررسی وزن سایر گزینه ها:

۱ مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۲ فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

۳ مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

۴۲۰- **گزینه ۱** وزن بیت ۱ مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن

وزن بیت ۲ فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

وزن بیت ۳ مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن

وزن بیت ۴ مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

۴۲۱- **گزینه ۳** ای بت نا زین من / دور مشو / ز پیش من

مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

۴۲۲- **گزینه ۴** (الف): (مفتعلن مفاعیلن) × ۲

(ب): (مستفعلن) × ۴ ← همسان تکراری

(پ): (مستفعلن فاعولن) × ۲

(ت): (مفتعلن فاعیلن) × ۲

(ث): (مستفعل مفعولن) × ۲

۴۲۳- **گزینه ۳**

خس زو چ گو ن سا زد من زل پ صد ر شی رین
 _ _ _ U _ _ U _ _ _ U _ _ U _
 مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

۱ مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)

۲ مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)

۳ مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

۴۳۶- **گزینه ۲** وزن این گزینه «مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل»

است و همسان دولختی نیست.

۱ مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن

۲ مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)

۴ مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)

۴۳۷- **گزینه ۴** وزن این گزینه «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» است.

وزن سایر ابیات:

۱ مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۲ مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

۳ فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلن

۴۳۸- **گزینه ۴** مفهوم انتظار برای وصال یار یا رسیدن پیامی از

سوی یار در بیت «ب» و «ه» مشاهده می‌شود.

مفهوم بیت الف «غم‌گرایی»، مفهوم بیت ج «عاشقی عامل دوری

است» و مفهوم بیت د «لذت وصال» است.